



مجموعه اسناد مرتبط با سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی

گزارشی وضعیت تحولات جمعیتی در سند امنیت غذایی

نویسنده:

علی اکبر محزون



هرم غذایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت جهاد کشاورزی



مجموعه اسناد مرتبط با سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی

گزارش وضعیت تحولات جمعیتی در سند امنیت غذایی

شماره ۷

نویسنده:

علی اکبر محزون

سرشناسه	: محزون، علی اکبر
عنوان و نام پدیدآور	: مجموعه اسناد مرتبط با سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی: گزارش وضعیت تحولات جمعیتی در سند امنیت غذایی (شماره ۷)/ نویسنده علی اکبر محزون؛ تهیه شده در معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه‌های اجتماعی؛ [به سفارش] شورای عالی انقلاب فرهنگی.
مشخصات نشر	: تهران : سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، نشر آموزش کشاورزی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۸ص:، مصور(رنگی)، جدول، نمودار(رنگی)، ۲۱×۲۱سم.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۰-۹۰۹-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص: ۴۸.
موضوع	: امنیت غذایی -- ایران -- سیاست دولت
موضوع	: Food security -- Iran -- Government policy
موضوع	: مواد غذایی -- ایران -- تامین -- سیاست دولت
موضوع	: Food supply -- Iran -- Government policy
موضوع	: جمعیت -- آینده‌نگری -- ایران
موضوع	: Population forecasting -- Iran
شناسه افزوده	: شورای عالی انقلاب فرهنگی
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، نشر آموزش کشاورزی
رده بندی کنگره	: HD۹۰۰/۶
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۱۹۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۳۴۶۹۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

ISBN: 978-964-520-909-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۰-۹۰۹-۲



عنوان: مجموعه اسناد مرتبط با سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی؛ گزارش وضعیت تحولات جمعیتی در

سند امنیت غذایی (شماره ۷)

نویسنده: علی اکبر محزون

مدیر داخلی: فتح اله بهرامی

تهیه شده در: معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی

ناشر: نشر آموزش کشاورزی

شمارگان: محدود

قیمت: رایگان

شماره ثبت در مرکز فن آوری اطلاعات و اطلاع رسانی کشاورزی ۴۰۰-۳۱ ک به تاریخ ۱۳/۰۶/۱۴۰۰ است.

نشانی: تهران، خیابان آزادی، بین نواب و رودکی، پلاک ۲۰۵، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی

تلفن: ۶۶۴۳۰۴۶۵ | تلفکس: ۶۶۴۳۰۴۶۴ | کد پستی: ۱۴۵۷۸۹۶۶۸۱

فهرست

مقدمه.....	۵
پیشگفتار.....	۹
تعاریف مفاهیم کلیدی.....	۱۰
۱- دیدگاه ها و سیاست های جمعیتی.....	۱۰
۱-۱- پیشینه ی دیدگاه های جمعیتی.....	۱۰
نقدی بر برنامه های بین المللی جمعیتی در دهه های اخیر.....	۱۷
۱-۲- سیاست های کلی جمعیت.....	۲۱
۲- جمعیت، خانوار و روند تغییرات آن.....	۲۲
۳- ساختار سنی جمعیت و روند تغییرات آن.....	۲۸
۴- «پنجره جمعیتی»، فرصت و امتیاز شرایط کنونی جمعیت کشور.....	۳۳
۵- سالخوردگی جمعیت.....	۳۵
۶- توزیع جغرافیایی جمعیت، شهرنشینی و مهاجرت.....	۳۷
۷- ارتباط تحولات جمعیتی ایران با کلان روندهای جهانی.....	۴۲
۹- منابع.....	۴۸

مقدمه

امنیت غذایی زیر بنای امنیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است و از ارکان حکمرانی خوب و عادلانه به شمار می رود، بهطوریکه از منظر ارزش های بنیادین به عنوان یکی از مهم ترین حقوق فرد و جامعه محسوب می شود. با این نگاه، حقوق نسل های آینده از طریق حفاظت از منابع پایه تولید و بهره برداری پایدار از این منابع مدنظر قرار می گیرد. باید توجه داشت که در طول تاریخ، ظهور و افول بسیاری از تمدن ها و سیطره آنها متکی بر تأمین غذا بوده است؛ امروزه نیز غذا همین کارکرد سیاسی امنیتی را در قالبی نوین برعهده دارد و نظم نوین جهانی و استیلای حاکمیتی از نقش غذا بهعنوان بازیگری مهم در عرصه جهانی بهره می گیرد.

امنیت غذایی زمانی به دست می آید که همه مردم همواره به غذای کافی، سالم، مغذی و حلال دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و این غذا نیازهای فرد برای یک زندگی سالم و فعال را فراهم سازد. ارکان اصلی امنیت غذایی شامل زنجیره به هم پیوسته ای از «فراهمی غذا»، «دسترسی به غذا»، «سلامت و مصرف غذا» و «پایداری» است.

فراهمی غذا متأثر از سه عامل تولید، تجارت و ذخیره سازی است. تولید داخلی محصولات کشاورزی از کلیدی ترین اجزای امنیت غذایی است که براینند مؤلفه هایی چون منابع پایه تولید (آب و خاک)، سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، پشتیبانی و حمایت مؤثر از تولید، سرمایه انسانی ماهر، کمیت و کیفیت نهاده های تولید، نظام دانش، فناوری و اطلاعات، نظام مدیریت تولید و فراوری محصولات کشاورزی و نگرش سیستمی به زنجیره ارزش است. از آنجا که کشاورزی در بستر کنونی جهان علاوه بر وظیفه مهم تأمین امنیت غذایی، مسئولیت حفاظت از منابع طبیعی و پایه را نیز بر عهده دارد، تنها راه پاسخگویی به نیازهای غذایی جمعیت کشور

«دانش بنیان شدن کشاورزی» و استفاده از ظرفیت های عظیم و مغفول علم و فناوری در سطوح ملی و جهانی است. در رویکرد کشاورزی دانش بنیان، افزون بر استفاده صحیح از ظرفیت های کشاورزی، موضوع مهم حفاظت و بهره برداری پایدار از منابع طبیعی و پایه و تامین سلامت تولید در اولویت قرار دارد.

در موضوع دسترسی به غذا، دسترسی فیزیکی و دسترسی اقتصادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. بهبود دسترسی به غذا تحت تأثیر عواملی چون ایجاد و توسعه انواع بازار، دسترسی تولیدکننده و مصرف کننده به بازار، قدرت خرید خانوار، میزان درآمد و اشتغال، تکمیل زنجیره های ارزش محصولات کشاورزی و پشتیبانی از اقشار آسیب پذیر است. در این مقوله نیز «دانش بنیان شدن فرایندها» بسیار حائز اهمیت می باشد و منجر به تسهیل دسترسی فیزیکی، کاهش تبعیض قیمتی، کاهش شکاف قیمتی بین تولیدکننده و مصرف کننده، افزایش درآمد تولیدکننده و قدرت خرید مصرف کننده، ارتقاء ارزش افزوده، کاهش ضایعات و حفظ کیفیت و سلامت محصولات می شود.

رکن سوم امنیت غذایی، مصرف غذاست که به الگوی مصرف و ویژگی های این الگو وابسته است. الگوی مصرف تأثیر به سزایی بر استفاده از منابع آب و خاک، بهای تمام شده سبد غذایی و ارتقای سلامت جامعه دارد. سایر عوامل اثرگذار بر این رکن شامل سلامت غذا، دانش غذا و تغذیه، سوء تغذیه، تنوع غذایی و کیفیت آب آشامیدنی است. قابل ذکر است که سلامت غذا در دو رکن فراهمی و دسترسی نیز بسیار حایز اهمیت است و موضوع غذای سالم باید «از مزرعه تا سفره» مدنظر باشد. «ارتقاء آگاهی و دانش مصرف کنندگان و دانش بنیان کردن الگوی مصرف» از محورهای اساسی این رکن امنیت غذایی است.

رکن چهارم امنیت غذایی «ثبات و پایداری» در سه رکن فراهمی، دسترسی و مصرف است که وجه مشترک آن دو تاب آوری می باشد. عوامل بی ثباتی و ناپایداری در رکن فراهمی غذا در کشور عمدتاً شامل سرمایه گذاری و حمایت ناکافی و غیرهدفمند از تولید، بهره برداری غیراصولی و خارج از توان اکولوژیک منابع طبیعی (به ویژه آب و خاک)، تغییر اقلیم و پیامدهای ناشی از آن، بلایای طبیعی، مخاطرات بیولوژیک و تکانه های سیاسی است. عوامل بی ثباتی و ناپایداری در رکن دسترسی به غذا عمدتاً شامل نوسانات قیمتی، تغییرات مکرر سیاست های اقتصادی، تکانه های سیاسی و اجتماعی، کاهش قدرت خرید و ناپایداری منابع درآمدی و اشتغال است. عمده ترین عوامل بی ثباتی و ناپایداری در رکن مصرف غذا نیز نگرانی از کیفیت، سلامت و تقلبات محصولات غذایی و تبلیغات غیرواقعی در حوزه محصولات غذایی است. وظیفه حاکمیت غذایی ایجاب می کند کلیه شاخص های موثر در ثبات و پایداری ارکان امنیت غذایی به صورت دانش بنیان سنجش، پایش و ارزیابی نموده و نسبت به مهار عوامل ناپایداری اقدام نماید. اهمیت و جایگاه امنیت غذایی ایجاب می کند که سند ملی و راهبردی امنیت غذایی کشور منطبق با ارزش های بنیادین، رویکرد جامع نگر و دانش بنیان تدوین شود. از آنجا که شرایط محیطی نقش کلیدی در تأمین امنیت غذایی دارد، الگو برداری از کشورهای دیگر بدون توجه به تفاوت ها و ویژگی های محیطی کشور منطقی نیست. بر این اساس و با بهره گیری از نگرش «جهانی اندیشیدن و منطقه ای عملکردن» باید در تدوین سند ملی امنیت غذایی ایران ضمن بهره گیری از تجارب جهانی و پیکره دانشی موجود، توجه ویژه ای به «نگاه و دانش بومی و بومی سازی» داشت. از این رو، تدوین سند ملی امنیت غذایی کشور با رویکرد فوق و به ویژه در شرایط پرتنش دهه های اخیر، که مصادیق بارز آن همه گیری بیماری کووید ۱۹، بحران کمبود آب، گرمایش جهانی و

تغییرات اقلیمی و تضادهای سیاسی بین کشورهاست، امری ضروری و گریزناپذیر است. در این راستا، اتکا به توانمندی‌های داخلی و توجه ویژه به شرایط محیط طبیعی و سپهر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور حائز اهمیت است.

با توجه به نقش امنیت غذایی در تحکیم امنیت ملی و فقدان سندی جامع و کارآمد برای امنیت غذایی تدوین سند ملی و راهبردی امنیت غذایی مورد تاکید شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفت. در این راستا و پس از بررسی‌های دقیق، جامع و آینده‌نگر و استفاده از تجربیات ملی و بین‌المللی و با مشارکت همه دستگاه‌های مرتبط و تشکل‌های غیر دولتی، اقدام به تهیه سند ملی امنیت غذایی شد. برای تهیه این سند اسناد پشتیبان متعددی تهیه شد که این مجموعه یکی از آن اسناد است.

محمد رضا مخبر دزفولی

اسکندر زند

رئیس کمیسیون تهیه سند ملی امنیت غذایی

دبیر کمیسیون تهیه سند ملی امنیت غذایی

پیشگفتار

تدوین سند امنیت غذایی، مستلزم بررسی ظرفیت های موجود کشور به ویژه در زمینه پایداری و تاب آوری امنیت غذایی و شناخت روند تغییرات در حوزه های گوناگون از جمله رصد تحولات جمعیتی در ایران است که با بازنگری جامع سیاست های جمعیتی کشور در سال های اخیر در قالب «سیاست های کلی جمعیت» از اهمیت ویژه ای برخوردار گردیده. لذا به جهت ضرورت شناخت صحیح، دقیق و جامع از تغییرات و حرکات جمعیتی و عوامل مؤثر بر آن، در این گزارش ابتدا به مرور بسترهای اجتماعی موجود در تاریخ معاصر و آگاهی نسبت به عوامل مؤثر بر تغییرات مسأله گونه ی جمعیتی از جمله مسائل مرتبط با جمعیت و منابع غذایی پرداخته شده پیشینه ی دیدگاه ها و نظریه های جمعیت شناختی در این خصوص ارائه شده است. در ادامه، پس از ارائه تصویری از وضعیت و جایگاه فعلی جمعیت کشور و مقایسه آن در سطح جهانی و منطقه ای، شاخصه های مهم جمعیتی نظیر نرخ رشد جمعیت و ساختار سنی آن و همچنین روند تغییرات شاخص های جمعیتی ایران از گذشته تا کنون و پیش بینی آینده تحولات جمعیتی ایران مبتنی بر فرضیات مورد اجماع در سطح ملی ارائه خواهد شد.

تعاریف مفاهیم کلیدی

جمعیت: به کلیه ی کسانی که به طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به صورت خانوار و خانواده زندگی می کنند جمعیت گفته می شود.

نرخ رشد جمعیت: عبارت است از نسبت افزایش (کاهش) تعداد جمعیت در یک دوره ی زمانی معین، به متوسط جمعیت در همان دوره با احتساب تمامی منابع تغییر جمعیت.

پنج‌جریه جمعیتی فرصت‌ها: پنج‌جریه جمعیتی دوره‌ای است که کم‌تر از یک سوم جمعیت خارج از سنین فعالیت (زیر ۱۵ سال و ۶۵ ساله و بیش‌تر) و بیش‌تر از دو سوم جمعیت در سنین فعالیت (۱۵-۶۴ ساله) باشند.

تراکم جمعیت: عبارت است از تعداد افراد ساکن در هر کیلومتر مربع.

۱- دیدگاه‌ها و سیاست‌های جمعیتی

۱-۱- پیشینه ی دیدگاه‌های جمعیتی

در طول تاریخ دیدگاه‌ها و بینش‌های متفاوتی در ارتباط با موضوع «جمعیت» شکل گرفته است. در بسیاری از منابع جمعیت‌شناختی، دیدگاه‌های جمعیتی به چهار گروه اصلی تقسیم شده‌اند:

۱- طرفداران افزایش جمعیت^۱: پیروان این گروه بر این باورند که امکانات طبیعت و کره زمین برای تغذیه و تأمین وسایل زندگی افراد بشر نامحدود و یا لاقلاً بسیار وسیع است. بنابراین نباید از افزایش جمعیت بیم داشت، بلکه برعکس باید با توجه به مزایا و محاسنی که این امر

1- Populationists

می تواند داشته باشد از آن استقبال کرد. به طور کلی اکثر ادیان به ویژه ادیان الهی، طرفدار افزایش نفوس بوده و تکثیر اولاد را تشویق و جلوگیری از آن را غالباً نهی می کنند. اعتقاد به بی حد و حصر بودن مواهب و نعم الهی و احترام به مخلوق پروردگار، مبدأ و منشأ این نظر و تمایل به شمار می رود.

۲- مخالفان افزایش جمعیت^۱: پیروان این نظریه را مخالفان افزایش موالید^۲ نیز می نامند. این گروه افزایش جمعیت را به عنوان یک واقعیت، پدیده ای انکارناپذیر دانسته و در عین حال بر این باورند که می توان با استفاده از روش هایی از جمله روش های پیشگیری از حاملگی از افزایش بی رویه آن جلوگیری کرد و از این طریق جامعه را از پیامدهای سوء عدم تعادل میان رشد جمعیت و رشد اقتصادی بر حذر داشت. در مقابل گروه اول که افزایش جمعیت را عامل توسعه اقتصادی و اجتماعی می دانستند، دسته اخیر نه تنها افزایش جمعیت را باعث توسعه و پیشرفت جوامع نمی دانند، بلکه حتی آن را مانع توسعه نیز می دانند.

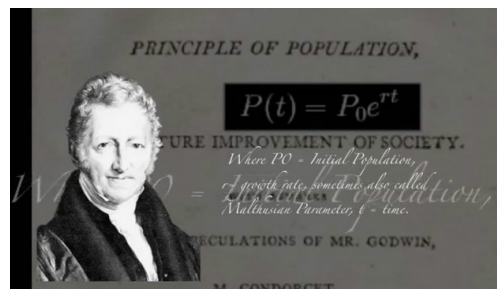
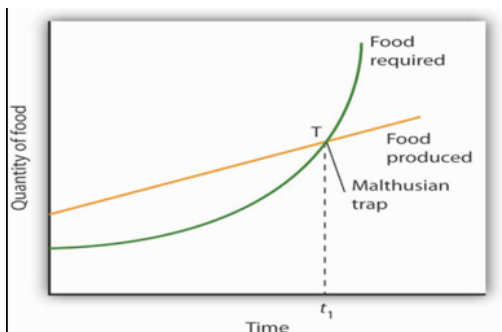
از مهم ترین طرفداران این نظریه که تأثیر و نفوذ بسیاری در سیاستگذاری ها و تصمیم گیری های جمعیتی تاریخ معاصر داشته می توان توماس رابرت مالتوس (۱۷۶۶ تا ۱۸۳۴)، کشیش کاتولیک، ریاضی دان و اقتصاددان انگلیسی را نام برد. در واقع دغدغه اصلی وی رابطه جمعیت و «فقر» بود که در شرایط آن زمان انگلستان که بیماری های همه گیر (اپیدمی ها) و قحطی ها موج می زد طی رساله ای در باب اصل جمعیت به تبیین این رابطه و تعیین کننده های آن پرداخت. استدلال مالتوس به «استدلال نسبت ها» یا «تله مالتوسی» یعنی همان بحث تصاعد حسابی و تصاعد هندسی شهرت داشت که معتقد بود چنانچه فرض کنیم «منابع غذایی» به صورت تصاعد

1- Restrictionists

2- Anti Natalists

حسابی (با افزایش تجمعی یک واحد به یک واحد مانند ۱، ۲، ۳، ۴، ...) رشد داشته باشند، «جمعیت» براساس تصاعد هندسی (با افزایش نمایی مانند ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶، ...) رشد خواهد نمود؛ به این معنی که هر چند سال یکبار جمعیت دو برابر می شود و نهایتاً رشد جمعیت از رشد منابع غذایی پیشی خواهد گرفت و در پیامد آن، جامعه بشری با کمبود شدید منابع غذایی، فقر، گرسنگی و قحطی های فراوان روبرو خواهد شد. با این اوصاف، در توصیه هایی که مالتوس به عنوان راهکارها و سیاست ها ارائه می نمود، علاوه بر توصیه های اقتصادی، مواردی مانند امتناع اخلاقی از فرزندآوری با تأکید بر پرهیز از فساد و گناه مانند افزایش تحصیلات برای افزایش سن ازدواج و نظایر آن به چشم می خورد که خود او نیز در سن ۳۸ سالگی ازدواج نموده بود.

نقدهای جدی ای بر نظریه مالتوس شده که به مواردی از آن اشاره می شود. وی معتقد بود که تولید غذا نمی تواند با رشد جمعیت همگام باشد؛ در حالیکه موارد بسیاری در طول تاریخ معاصر هست که در اثر پیشرفت و بهره گیری از فناوری در زندگی بشر، مقدار استحصال مواد غذایی از طبیعت نیز متناسب با نیاز انسان ها رشد نموده و آن فقر و گرسنگی شدیدی که او پیش بینی نموده بود رخ نداد و این پیشرفت ها موضوعی بود که وی نادیده گرفته بود.



وی معتقد بود فقر نتیجه اجتناب ناپذیر رشد جمعیت است؛ در حالیکه خیلی ها مثل مارکس معتقدند که فقر نتیجه نابرابری های اجتماعی است و لزوماً نمی توان آن را به رشد جمعیت نسبت داد.

استدلال نسبت های مالتوس نیز زیر سؤال رفت از این جهت که منابع غذایی ای هم که وی رشد آن را در قالب تصاعد حسابی تصور می نمود، چیزی جز نباتات و حیوانات نبوده و این موجودات نیز به صورت تصاعد هندسی تکثیر نسل آن هم مانند جوامع بشری و حتی شدیدتر خواهند داشت و نمی توان تحت هر شرایطی رشد آن ها را کندتر از رشد جمعیت های انسانی دانست.

در بین پیروان مالتوس در در دهه های اخیر که از آن ها به عنوان نئومالتوسین ها نام برده می شود، این اعتقاد که امتناع اخلاقی تنها راه قابل پذیرش برای مقابله با رشد جمعیت است کنار گذاشته شد و آن ها قیود اخلاقی ذیل راهکارهای مورد توصیه مالتوس را نیز کنار گذاشتند و مواردی نظیر سقط جنین، روابط خارج از چارچوب ازدواج برای اطفای غریزه جنسی ناشی از تأخیر ازدواج و نظایر آن را نیز در جهت پیشگیری از رشد موالید مجاز دانستند که بیش تر دولت ها به دلیل تندروی های زیادی که داشتند اجازه فعالیت و ترویج این عقاید را به آن ها ندادند.

۳- طرفداران تثبیت جمعیت^۱: از مشخصات بارز طرفداران تثبیت جمعیت، محافظه کاری مفرط آن ها است. اینان در واقع به هیچ نوع تحول و حرکتی چه در جهت افزایش جمعیت و چه در جهت کاهش آن معتقد نیستند. به تعبیر برخی مفسران، این ها از اندیشه سقراط مبنی بر

اعتدال پیروی می کنند. به اعتقاد ایشان وقتی تعداد نفوس یک جامعه به حد کمال خود رسید دیگر هیچگونه دلیل و موجبی برای تغییرات پیوسته آن وجود ندارد. به نظر طرفداران تثبیت جمعیت، ثبات جمعیت از جهات مختلف و مخصوصاً از نظر اقتصادی دارای مزایای زیادی است؛ زیرا وقتی تعداد نفوس یک جامعه افزایش نیابد طبعاً اثرات و نتایج ناگوار «قانون بازده نزولی» (از قوانین مطرح در علم اقتصاد) ظاهر نخواهد شد و به هر یک از افراد جامعه سهم بیش تری از زمین و سرمایه خواهد رسید. البته این در حالی است که می دانیم جمعیت ثابت^۱ و متوقف نه تنها از مزایای اقتصادی افزایش جمعیت بی بهره است، بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی نیز جمعیت ثابت دارای عوارض نامطلوب قابل توجهی است. در جمعیت ثابت، تعداد جوانان رو به کاهش و تعداد سالخوردگان رو به افزایش می گذارد و ...

۴- طرفداران جمعیت متناسب (حد مطلوب جمعیت)^۲: اندیشه تشخیص و تعیین جمعیتی که متناسب با امکانات طبیعی و اقتصادی یک جامعه باشد سابقه ای طولانی در تاریخ تفکرات جمعیتی دارد. تفکر جمعیت متناسب، به وسیله فلاسفه قدیم چین و یونان، کنفوسیوس، افلاطون و ارسطو و به دنبال آن ها به وسیله ژاک روسو، مونتسکیو، ولتر و صاحب نظران دیگر در قرن هیجده مطرح شده است. در جامعه کشاورزی چین، فلاسفه چینی بر آن بودند تا حدی از تراکم جمعیت را که بتواند بیش ترین بازدهی فردی را داشته باشد، تعیین کنند. در این راستا نقش دولت را مهم ارزیابی نمودند که برای رسیدن به بهترین و مطلوب ترین میزان تراکم جمعیت، دولت بایستی جمعیت اضافی را از مناطق پرجمعیت به مناطق کم جمعیت سوق دهد. نظریه حد متناسب جمعیت نخستین بار به طور رسمی طی سال های ۱۸۱۰ تا ۱۸۵۶ توسط

1- Stable Population

2- Optimalists

کارل وینکل بلخ^۱ پروفسور آلمانی مطرح شد. او ملت‌های جهان را به سه گروه ملت‌های کم جمعیت، ملت‌های پر جمعیت و ملت‌های با جمعیت متناسب تقسیم کرد. بعد از بلخ در فاصله سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۹۳۵ ادوین کانان و بعدها آلفرد سووی اندیشه حد متناسب جمعیت را بسط و گسترش دادند. سووی، نیل به هدف‌های اشتغال کامل، زندگی طولانی و بهداشت خوب، دانش و فرهنگ و رفاه و بهزیستی افراد را برای حد متناسب ذکر کرده است. سؤال این است که حد متناسب جمعیت چیست؟ تا مدت‌ها هنگامی که صحبت از حد متناسب جمعیت می‌شد، منظور حجم و تعداد جمعیت بود. پاره‌ای از کشورهای صنعتی غرب حدود ۵۰ میلیون نفر را حد متناسب جمعیت می‌دانستند. در حال حاضر هنگامی که صحبت از حد متناسب جمعیت می‌شود کم‌تر بر حجم و تعداد خاصی تأکید می‌شود و بیش‌تر میزان مناسبی از رشد جمعیت مدنظر است [جمعیت و توسعه با تأکید بر ایران (ده مقاله)، دکتر محمد میرزایی، مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۸۴].

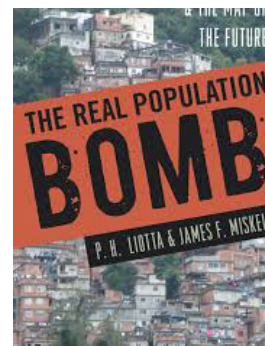
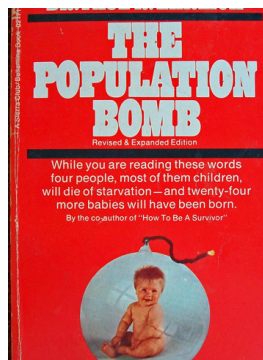
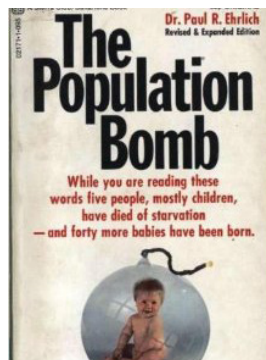
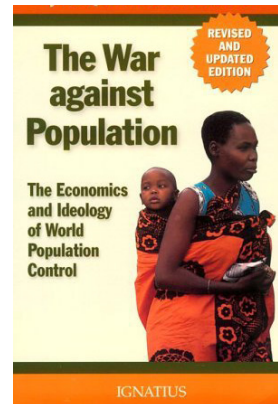
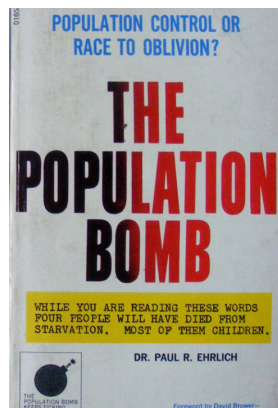
جدول ۱- طبقه بندی صاحب نظران جمعیتی

تمام مذاهب الهی (اسلام، زرتشت، مسیح، یهود)، سنت اوگوستین، سنت آمبرواز، سنت توماس دانکن، در جوامع نظامی باستان، امپراطوری ایران باستان، امپراطوری روم (ژول، سزار، اگوست)، از فلاسفه شرق ابن سینا، ماکیاول، کامپانلا، هانری چهارم، پیروان مکتب سوداگری (ویلیام تمپل، مون کرتین، توکر، میرابو، تورگو، دوپون دونمور)، بسیاری از جامعه شناسان از جمله آگوست کنت، امیل دورکهایم، آرسن دومون، فاشیسم ایتالیان (رژیم موسولینی)، فاشیسم آلمان (نازیسم)، علمای اقتصاد معاصر (ژان آکرمن، والت روستو، فرانسوا پرو)، دکتر لش، ویلیام گودوین، گنار میردال	طرفداران افزایش جمعیت
سنت پل، اوریژن، ترتولین، شاتوبریان، صاحب نظران و فلاسفه یونانی، اپیکوریان و رواقیان، پیروان تصوف (سنایی، عزالدین محمد کاشانی)، از بین فلاسفه و متفکران اسلامی (ابن مسکویه، ابوالعلائی معری، غزالی، خواجه نصیرالدین طوسی، جلال الدین دوانی)، نقطویان (محمود پسیخانی)، مالتوس، نئومالتوسین ها (پلاس، ریچارد کلاید، رابرد دیل آون، دکتر دریسدال، وگت)	مخالفان افزایش جمعیت
استوارت میل، لئونارد سیسموندی سوئیسی	طرفداران تثبیت جمعیت
کارل وینکل بلخ، افلاطون، ارسطو، ابن خلدون، منتسکیو، ژان ژاک روسو، آلفرد سووی، ادوین کانان، لرد بوریچ، ویره ورنه، شومپتر، ژان کلود شنه، جان بنگارت	طرفداران جمعیت متناسب

منبع: احمد کتابی: نظریات جمعیت شناسی - تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۴

نقدی بر برنامه های بین المللی جمعیتی در دهه های اخیر

با وجود نظریه های فوق در طول تاریخ، در دهه های اخیر نئومالتوسین ها و سایر کسانی که نگرانی خود را از رشد جمعیت ابراز می داشتند فضا سازی گسترده ای را در این زمینه به راه انداختند که از آن جمله نگارش و انتشار کتبی تحت عنوان بمب جمعیت، جنگ علیه جمعیت و نظایر آن به ویژه کتاب بمب جمعیت نوشته پاول ارلیش (از پرفروش ترین کتاب های آن زمان) بود.



آن‌ها بر این موضوع تأکید می‌کردند که انفجار موالید^۱، بزرگ‌ترین انفجار شناخته شده در طول تاریخ است و این موضوع را با گسترش فقر و گرسنگی مرتبط می‌دانستند.



این فضا سازی آنقدر در افکار عمومی جا باز نمود که در زمانی که جمعیت دنیا از مرز ۵ میلیارد نفر در سال ۱۹۸۷ گذشت، از سال ۱۹۸۹ سالروز آن یعنی یازدهم ژوئیه را در تقویم سازمان ملل متحد به عنوان «روز جهانی جمعیت» نامگذاری نمودند تا مناسبتی باشد برای یادآوری هشدارها نسبت به افزایش جمعیت و مرور اقدامات انجام شده در جهت کنترل آن بخصوص برنامه‌های تنظیم خانواده. از آن زمان به بعد، برنامه‌های مدّونی برای این منظور به اجرا در آمد و هدفگذاری‌های میان مدت و بلندمدتی نیز برای آن در نظر گرفته شد که تصمیمات «اجلاس بین‌المللی جمعیت و توسعه» (ICPD)^۲ با ۶ هدف و ۳۱ شاخص برای مدت

1- Baby Boom

2- International Conference for Population and Development

۲۰ سال (۱۹۹۴ تا ۲۰۱۴) و به دنبال آن «آرمان‌های توسعه هزاره» (MDG)^۱ با ۸ آرمان، ۲۱ هدف و ۵۰ شاخص برای مدت ۱۵ سال (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵) از جمله مهم‌ترین آن‌ها است. البته «آرمان‌های توسعه هزاره» (MDG) در سال‌های اخیر با پایان بازه زمانی ۱۵ ساله‌اش، جای خود را به «آرمان‌های توسعه پایدار» (SDG) سپرده که در آن، ۱۷ آرمان برای مدت ۱۵ سال (۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰) در نظر گرفته شده که جزئیات آن نیاز به بررسی در خصوص ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم هر یک از آرمان‌ها با سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های جمعیتی دارد.



اما دیری نپایید که پس از گسترش ادبیات و واژه نگاری هایی مانند بمب جمعیت، انفجار موالید، جنگ علیه جمعیت و ...، این واژه ها با کلیدواژه های دیگری جایگزین شد و فرضیاتی که در خصوص رشد انفجاری موالید و ارتباط آن با فقر و گرسنگی گسترده مطرح شده بود، جای خود را به واژه هایی نظیر «زمستان جمعیتی»^۱ و «سقوط جمعیتی»^۲ داد. اینجا بود که اقتصاددانان و صاحب نظران برجسته غربی موضوع ارتباط کاهش موالید در اثر کنترل افراطی جمعیت را عاملی برای توقف رشد اقتصادی و آسیب های متعدد اقتصادی و اجتماعی بر زندگی بشری ارزیابی نمودند و از آن تحت عنوان خزان جمعیتی و زمستان جمعیتی نام می برند؛ هشداری که در جزئیات آن، نام کشورهای به چشم می خورد که بیش ترین کاهش در شاخص های مربوط به باروری و رشد جمعیت را تجربه نموده اند و در میان معدود مثال هایی که از این دسته از کشورهای دنیا مطرح می شود، نام «ایران» به صورت یک مثال خاص به چشم می خورد! در این خصوص، بی تردید سیاست ها و برنامه هایی که در اثر غلبه ی هر یک از رویکردهای جمعیتی در کشور ما به وجود آمده، بر این پدیده بی تأثیر نبوده و آمارهایی که در این گزارش ارائه می شود نیز مبین این تأثیرها خواهد بود. از جمله مهم ترین این برنامه ها که اقدامات اساسی و تصویب قوانین دیگری را پس از خود در دهه های اخیر به دنبال داشت، برنامه اول توسعه مصوب سال ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی است. در بند «ج» تصویر کلان این برنامه تحت عنوان «خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور»، کاهش نرخ باروری از ۶/۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ هدفگذاری شده است.

1- Demographic Winter

۲- برگرفته از مرحله پنجم چرخه گذار جمعیتی Blacker تحت عنوان Declining phase

اما اینکه چرا با وجود ۸ برابر شدن جمعیت ایران در کم‌تر از یک قرن اخیر و حتی اینکه هم‌اکنون نیز همچنان جمعیت آن سال به سال رو به افزایش است، چالش کاهش باروری و کاهش رشد جمعیت به عنوان یک چالش اصلی مطرح می‌شود، موضوعی است که در بخش‌های آتی تشریح خواهد شد؛ چالشی که بخصوص درباره کاهش باروری در ایران در کتابی تحت عنوان «گذار باروری در ایران: انقلاب و تولید مثل»^۱ از آن به عنوان رکورد بزرگ‌ترین و سریع‌ترین کاهش باروری یاد شده است.^۲

۱-۲- سیاست‌های کلی جمعیت

سیاست‌های کلی جمعیت در ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ از سوی مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی) به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد و در متن ابلاغیه آن آمده است:

با عنایت به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی؛ و با توجه به پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال‌های گذشته، سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغ می‌گردد. با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذیربط در این

1- The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction

2- Confounding all conventional wisdom, the fertility rate in the Islamic Republic of Iran fell from 7.0 births per woman in 1979 to 1.9 births per woman in 2006. That this, the largest and fastest fall in fertility ever recorded, should have occurred in one of the worlds few Islamic Republics demands explanation

زمینه، اقدامات لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها گزارش شود.

در این سیاست‌ها به ابعاد مختلف کمی و کیفی جمعیت از جمله: رفع موانع ازدواج، تحکیم خانواده، سبک زندگی اسلامی-ایرانی، ارتقای امید به زندگی، تکریم سالمندان، توانمندسازی جمعیت در سن کار، بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی، مدیریت مهاجرت و افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی پرداخته شده و رصد مستمر آن مورد تأکید قرار گرفته است.

فرازهایی از این سیاست از جمله بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و مدیریت مهاجرت، ارتباط نزدیک تری با موضوع امنیت غذایی دارد. در همین راستا، در ادامه‌ی این گزارش به بررسی روند تحولات مهم‌ترین شاخص‌های جمعیتی می‌پردازیم.

۲- جمعیت، خانوار و روند تغییرات آن

برای درک بهتر وضعیت آماری جمعیت ایران، آن را با جمعیت جهان و کشورهای منطقه در جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۱ مقایسه می‌کنیم. از آنجا که جمعیت جهان طبق گزارش سال ۲۰۱۷ «چشم‌انداز جمعیت جهان»^۱ از سوی بخش جمعیت‌شناسی دپارتمان اقتصادی-اجتماعی سازمان ملل متحد^۲ از مرز ۷ میلیارد و ۵۵۰ میلیون نفر عبور نموده، جمهوری اسلامی ایران با برآورد جمعیت بالغ بر ۸۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۸، حدود یک درصد جمعیت جهان را به

1- World Population Prospects: The 2017 Revision

2- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division

خود اختصاص داده است. طبق گزارش مزبور، رتبه جمعیت ایران در جهان ۱۸، در آسیا نهم و در منطقه سوم (بعد از پاکستان و مصر و با اندکی اختلاف، قبل از ترکیه) است. طبق آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ متوسط نرخ رشد جمعیت ایران در فاصله دو سرشماری اخیر برابر با ۱/۲۴ درصد به دست آمده است.

جدول ۲- جمعیت جهان و ۲۰ کشور اول

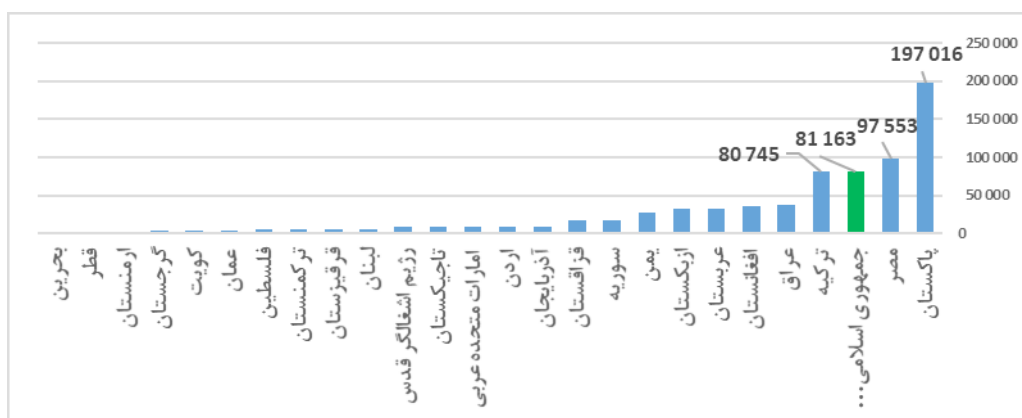
Country	Population	%
World	۷,۵۵۰,۲۶۲,۱۰۱	۱۰۰/۰۰
1 - China	۱,۴۰۹,۵۱۷,۳۹۷	۱۸/۶۷
2 - India	۱,۳۳۹,۱۸۰,۱۲۷	۱۷/۷۴
3 - United States of America	۳۲۴,۴۵۹,۴۶۳	۴/۳۰
4 - Indonesia	۲۶۳,۹۹۱,۳۷۹	۳/۵۰
5 - Brazil	۲۰۹,۲۸۸,۲۷۸	۲/۷۷
6 - Pakistan	۱۹۷,۰۱۵,۹۵۵	۲/۶۱
7 - Nigeria	۱۹۰,۸۸۶,۳۱۱	۲/۵۳
8 - Bangladesh	۱۶۴,۶۶۹,۷۵۱	۲/۱۸
9 - Russian Federation	۱۴۳,۹۸۹,۷۵۴	۱/۹۱
10 - Mexico	۱۲۹,۱۶۳,۲۷۶	۱/۷۱
11 - Japan	۱۲۷,۴۸۴,۴۵۰	۱/۶۹
12 - Ethiopia	۱۰۴,۹۵۷,۴۳۸	۱/۳۹
13 - Philippines	۱۰۴,۹۱۸,۰۹۰	۱/۳۹

ادامه جدول ۲- جمعیت جهان و ۲۰ کشور اول

Country	Population	%
14 - Egypt	۹۷,۵۵۳,۱۵۱	۱/۲۹
15 - Viet Nam	۹۵,۵۴۰,۸۰۰	۱/۲۷
16 - Germany	۸۲,۱۱۴,۲۲۴	۱/۰۹
17 - Democratic Republic of the Congo	۸۱,۳۳۹,۹۸۸	۱/۰۸
18 - Iran (Islamic Republic of)	۸۱,۱۶۲,۷۸۸	۱/۰۷
19 - Turkey	۸۰,۷۴۵,۰۲۰	۱/۰۷
20 - Thailand	۶۹,۰۳۷,۵۱۳	۰/۹۱

منبع: سازمان ملل متحد، گزارش چشم انداز جمعیت جهان، ۲۰۱۷

نمودار ۱- جمعیت ایران و کشورهای منطقه ی چشم انداز در سال ۲۰۱۷



منبع: سازمان ملل متحد، گزارش چشم انداز جمعیت جهان، ۲۰۱۷

روند تغییرات تعداد جمعیت، متوسط رشد سالانه جمعیت و متوسط بُعد خانوار از اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن انجام شده در سال ۱۳۳۵ تا آخرین آن در سال ۱۳۹۵ در جدول شماره ۳ ارائه شده است. همانطور که در این جدول نشان داده شده، متوسط رشد سالانه جمعیت کشور تا سال ۱۳۶۵ روند افزایشی داشته و پس از آن روند کاهشی به خود گرفته و به رقم ۱/۲۴ در آخرین سرشماری رسیده است. لذا در ادامه آنچه که در بخش قبل در ارائه سیمای وضعیت فعلی شاخص‌های جمعیتی در خصوص شاخص رشد جمعیت ارائه شد، می‌توان گفت با وجود اینکه در آنجا امکان اظهار نظر در خصوص زیاد، کم یا مناسب بودن این شاخص وجود نداشت، اما اکنون این سؤال جدی مطرح است که آیا اساساً این «روند کاهشی» می‌تواند مطلوب کشور باشد یا نه؟ سؤال جدی دیگر نیز این است که آیا این امکان وجود دارد که با ادامه این روند کاهشی رشد جمعیت، این میزان به صفر برسد و سپس روند منفی شدن را در پی داشته باشد؟ از آنجا که در صورت منفی شدن رشد جمعیت، شاهد کاهش سالانه تعداد جمعیت خواهیم بود، لذا به هیچ وجه نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت و نسبت به این سؤال تخصصی بی تفاوت بود؛ چرا که تبعات رشد منفی جمعیت و تأثیراتی که بر ترکیب سنی جمعیت و سایر تعاملات بین نسلی و در پی آن تأثیر بر سایر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهد داشت غیرقابل اغماض است.

از طرفی، همانطور که در ستون آخر جدول ۳ نیز مشاهده می‌شود، متوسط بُعد خانوار یا همان متوسط تعداد افراد در خانوارهای کشور نیز متناسب با کاهش رشد جمعیت بعد از سال ۱۳۶۵، روند کاهشی به خود گرفته تا جایی که از حدود ۵ نفر در آن سال به حدود ۳/۳ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این امر، رابطه تنگاتنگ بین کاهش بُعد خانوار و رشد جمعیت

را نشان می‌دهد که این روابط چندگانه را با ارائه سایر شاخص‌های جمعیتی در ادامه پی خواهیم گرفت.

جدول ۳- روند تغییرات تعداد جمعیت، متوسط رشد سالانه جمعیت و تعداد خانوارها و متوسط بُعد خانوار

سال	جمعیت	متوسط رشد سالانه (درصد)	تعداد خانوار	بُعد خانوار
۱۳۳۵	۱۸,۹۵۴,۷۰۴	-	۳,۹۸۵,۶۸۰	۴/۸
۱۳۴۵	۲۵,۷۸۸,۷۲۲	۳/۱	۵,۱۶۷,۱۹۲	۵/۰
۱۳۵۵	۳۳,۷۰۸,۷۴۴	۲/۷	۶,۷۱۱,۶۲۸	۵/۰
۱۳۶۵	۴۹,۴۴۵,۰۱۰	۳/۹	۹,۶۷۳,۹۳۱	۵/۱
۱۳۷۵	۶۰,۰۵۵,۴۸۸	۱/۹	۱۲,۳۹۸,۲۳۵	۴/۸
۱۳۸۵	۷۰,۴۹۵,۷۸۲	۱/۶	۱۷,۵۰۱,۷۷۱	۴/۰
۱۳۹۰	۷۵,۱۴۹,۶۶۹	۱/۳	۲۱,۱۸۵,۶۴۷	۳/۶
۱۳۹۵	۷۹,۹۲۶,۲۷۰	۱/۲	۲۴,۱۹۶,۰۳۵	۳/۳

منبع: مرکز آمار ایران - سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

جمعیت ایران طبق پیش‌بینی‌های رسمی مرکز آمار ایران مبتنی بر ثابت بودن مفروضات کنونی که در جدول شماره ۴ نشان داده شده، در یک سناریوی خوش‌بینانه یعنی کاهش ملایم باروری از سطح فعلی به رقم ۱,۹۵ فرزند، تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۱۰۱ میلیون نفر خواهد رسید.

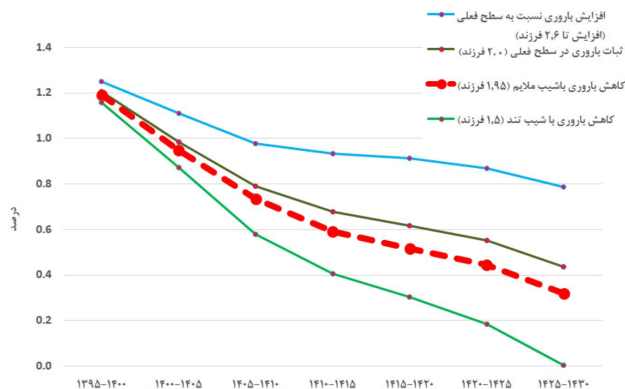
جدول ۴- پیش بینی جمعیت ایران در ۴ سناریوی تغییرات باروری

شرح	افزایش باروری نسبت به سطح فعلی (افزایش تا ۲/۶ فرزند)	ثبات باروری در سطح فعلی	کاهش باروری با شیب ملایم (۱/۹۵ فرزند)	کاهش باروری با شیب تند (۱/۵ فرزند)
۱۴۰۰	۸۵۱۵۹	۸۴۹۷۴	۸۴۹۱۲	۸۴۷۸۵
۱۴۰۵	۸۹۹۹۱	۸۹۲۳۶	۸۹۰۲۲	۸۸۵۴۱
۱۴۱۰	۹۴۴۷۲	۹۲۸۲۱	۹۲۳۳۹	۹۱۱۴۱
۱۴۱۵	۹۸۹۵۹	۹۶۰۰۹	۹۵۱۰۴	۹۳۰۰۳
۱۴۲۰	۱۰۳۵۶۶	۹۹۰۱۴	۹۷۵۹۱	۹۴۴۲۸
۱۴۲۵	۱۰۸۱۴۸	۱۰۱۷۸۱	۹۹۷۸۸	۹۵۳۰۴
۱۴۳۰	۱۱۲۴۷۵	۱۰۴۰۱۸	۱۰۱۳۹۲	۹۵۳۱۸

منبع: مرکز آمار ایران - درگاه ملی آمار به آدرس www.amar.org.ir

همانگونه که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده، در هر چهار سناریوی پیش بینی نرخ رشد جمعیت، این نرخ روند نزولی خواهد داشت.

پیش بینی متوسط رشد سالانه جمعیت ایران با چهار فرض از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰



نمودار ۲- پیش بینی نرخ رشد جمعیت ایران در ۴ سناریوی تغییرات باروری
منبع: مرکز آمار ایران - درگاه ملی آمار به آدرس www.amar.org.ir

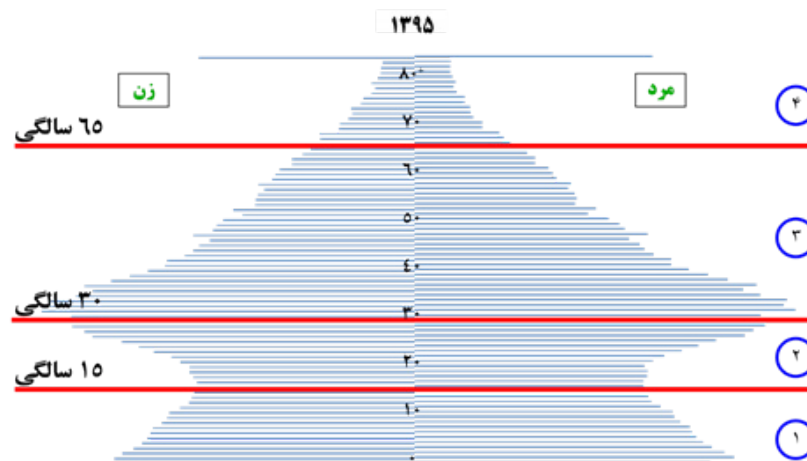
۳- ساختار سنی جمعیت و روند تغییرات آن

ساختار جمعیت ایران از لحاظ سنی را می توان در چهار گروه کلی تحت عنوان «گروه های عمده سنی» براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن اجرا شده در کشور در سال ۱۳۹۵ به این شرح ارائه نمود:

کودکان و نوجوانان (زیر ۱۵ سال) با ۲۴/۰ درصد معادل ۱۹/۲ میلیون نفر، جوانان (۱۵ تا ۲۹ ساله) با ۲۵/۱ درصد معادل ۲۰/۱ میلیون نفر، میانسالان (۳۰ تا ۶۴ ساله) با ۴۴/۸ درصد معادل

۳۵/۸ میلیون نفر و سالمندان (۶۵ ساله و بیش تر) با ۶/۱ درصد معادل ۴/۹ میلیون نفر. از آنجا که تعریف استاندارد سن سالمندی به ویژه در حوزه سلامت و بهداشت سنین ۶۰ ساله و بیش تر است، لذا با این تعریف جمعیت سالمند در کشورمان در سال ۱۳۹۰ با ۹/۳ درصد معادل ۷/۴ میلیون نفر بوده است که هم درصد و هم تعداد سالمندان در برنامه ریزی های مربوطه از اهمیت فراوان برخوردار است.

ساختار و ترکیب سنی و جنسی جمعیت را می توان به تفکیک تک سن و با مشخص نمودن گروه های عمده سنی در هرم سنی نمودار ۳ ملاحظه نمود که در آن، محور عمودی شامل سن و محورهای افقی شامل تعداد مردان و زنان در سمت راست و چپ نمودار می باشد.



نمودار ۳- هرم سنی و جنسی جمعیت ایران - ۱۳۹۵

منبع: مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

در زمینه تغییرات ساختار سنی جمعیت چنانکه جدول شماره ۵ نشان می دهد، روند این تغییرات در گروه های عمده سنی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ به گونه ای است که نشان می دهد سهم گروه سنی سالمندان نیز متناسب با روند تغییرات شاخص رشد جمعیت در جدول شماره ۳ از سال ۱۳۶۵ رو به افزایش گذاشته و از حدود ۳ درصد در آن سال به حدود ۶/۱ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این نکته را یادآور می شود که سن سالمندی طبق استانداردهای سازمان جهانی بهداشت ۶۰ ساله و بیش تر است که در این جدول به سبب رسیدن جمع اجزاء در گروه های عمده سنی به رقم ۱۰۰، ۶۵ ساله و بیش تر درج شده است. لذا طبق تعریف استاندارد، جمعیت ۶۰ ساله و بیش تر کشور حدود ۷/۴ میلیون نفر و رشد آن بین دو سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ در حدود ۳/۶۲ درصد یعنی حدود ۳ برابر رشد جمعیت کل کشور به دست آمده است. این تغییرات نیز گویای این مطلب است که نه تنها رابطه سهم گروه سنی سالمندان در جمعیت را نیز به رابطه بین بُعد خانوار و شاخص رشد جمعیت اضافه نمود، بلکه تصور اینکه سهم ۶/۱ درصدی در سیمای وضعیت فعلی شاخص های جمعیتی سهم قابل توجهی نیست را به چالش کشیده و ضرورت توجه به بررسی روند آن را بیش از پیش نمایان می سازد؛ روندی که سؤال جدی دیگری را در ذهن متبادر می سازد که تا چه حد این سهم و تعداد آن در جمعیت کشورمان افزایش پیدا خواهد نمود و چگونه باید با این پدیده مواجه شد؟ پاسخ این نیز در بخش پیش بینی های جمعیتی بهتر روشن خواهد شد.

جدول ۵- سهم گروه‌های عمده سنی طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ (درصد)

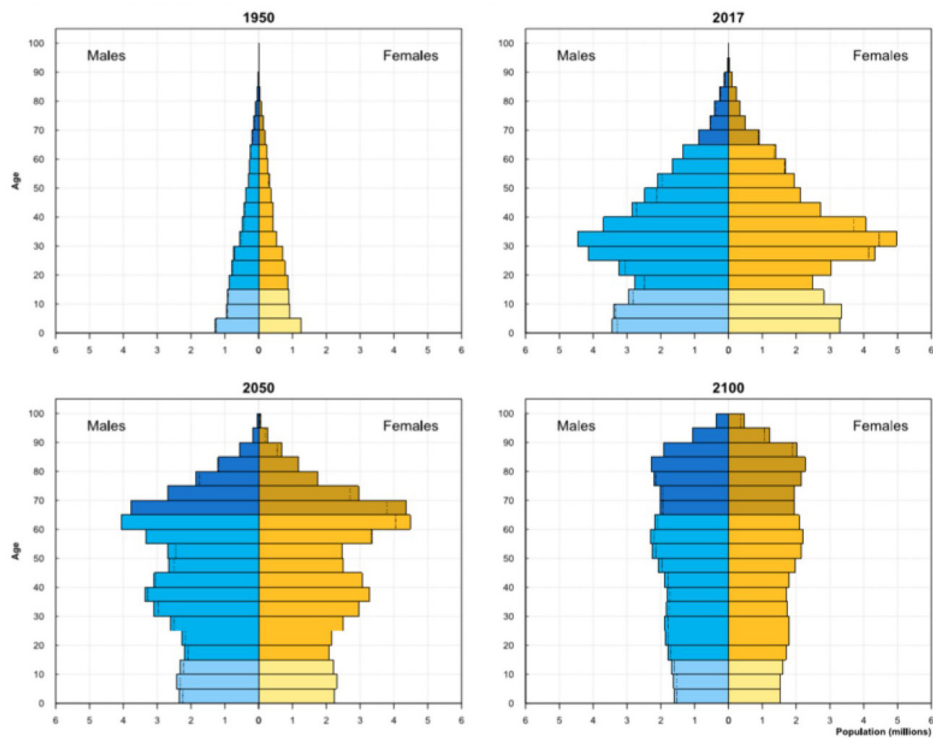
سال	۰ تا ۱۴ ساله (کودکان و نوجوانان)	۱۵ تا ۲۹ ساله (جوانان)	۳۰ تا ۶۴ ساله (میانسالان)	۶۵ ساله و بیشتر (سالمنان)
آبان ۱۳۳۵	۴۲/۲	۴/۲۳	۴/۳۰	۰/۴
آبان ۱۳۴۵	۴۶/۱	۷/۲۱	۳/۲۸	۹/۳
آبان ۱۳۵۵	۴۴/۵	۲/۲۵	۷/۲۶	۵/۳
آبان ۱۳۶۵	۴۵/۵	۴/۲۶	۱/۲۵	۰/۳
آبان ۱۳۷۵	۳۹/۵	۴/۲۸	۷/۲۷	۳/۴
آبان ۱۳۸۵	۲۵/۱	۴/۳۵	۳/۳۴	۲/۵
آبان ۱۳۹۰	۴/۲۳	۵/۳۱	۳/۳۹	۷/۵
آبان ۱۳۹۵	۰/۲۴	۱/۲۵	۸/۴۴	۱/۶

منبع: مرکز آمار ایران - سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

نکته بسیار حائز اهمیت دیگری که در جدول شماره ۵ مشهود است، کاهش سهم جمعیت جوان در فاصله‌ی سه سرشماری اخیر یعنی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ از ۳۵/۴ درصد به ۳۱/۵ درصد و سپس ۲۵/۱ درصد است که حتی تأثیر فعلی آن را بر سایر شاخص‌های اجتماعی نظیر کاهش مداوم آمار ازدواج در سال‌های اخیر متأثر از این کاهش می‌توان به وضوح ملاحظه نمود.

طبق پیش‌بینی‌های جمعیتی منابع بین‌المللی که در نمودار شماره ۴ نشان داده شده، ساختار سنی جمعیت ایران از یک ساختار کاملاً جوان در سال‌های گذشته، به یک ساختار

کاملاً سالخورده تغییر خواهد نمود که این الگوی هرم سنی، مختص کشورهای توسعه یافته ی اروپایی است که سالمندی جمعیت را تجربه می کنند.



نمودار ۴- پیش بینی هرم سنی جمعیت ایران

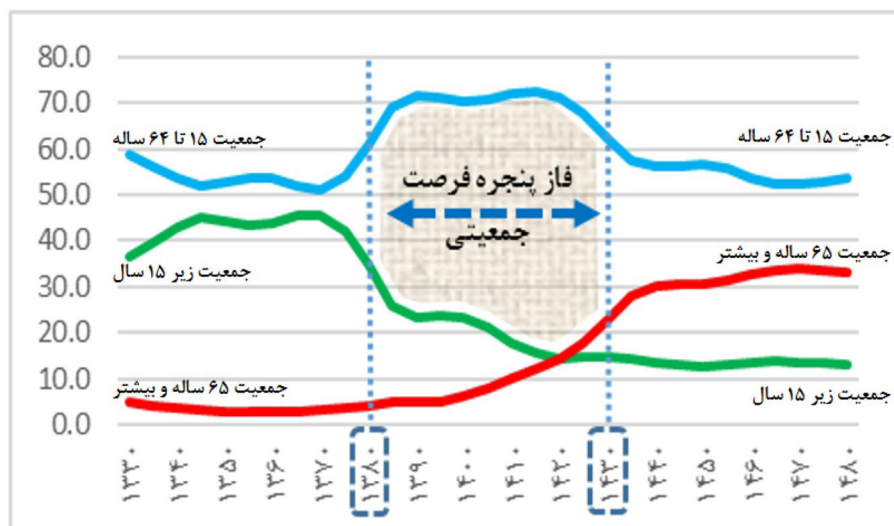
منبع: سازمان ملل متحد، گزارش چشم انداز جمعیت جهان، ۲۰۱۷

۴- «پنجره جمعیتی»، فرصت و امتیاز شرایط کنونی جمعیت کشور

در سیمای وضعیت فعلی جمعیت کشورمان، یک امتیاز ویژه و فرصت طلایی نیز در شرایط کنونی وجود دارد که در متن ابلاغیه سیاست‌های کلی جمعیت نیز با عبارت «پویندگی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز» به آن اشاره شده و در متون تخصصی جمعیت‌شناسی از آن تحت عناوینی نظیر «پنجره جمعیتی»، «پنجره فرصت جمعیتی» و ... یاد می‌شود. در واقع این فرصت طلایی، وضعیت است که حاصل جمع جمعیت جوان و میانسال (۱۵ تا ۶۴ ساله) یک کشور که «جمعیت مولد» یا «جمعیت بالقوه فعال از نظر اقتصادی» نامیده می‌شود به حداکثر میزان خود در طول دوران حدوداً صد ساله توسعه یافتگی آن کشور می‌رسد و هم‌اکنون طبق آخرین سرشماری، این میزان به ۶۹/۹ درصد یعنی بیش از دو سوم جمعیت کشور (حاصل جمع ۲۵/۱ درصد جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله و ۴۴/۸ درصد جمعیت میانسالان ۳۰ تا ۶۴ ساله) رسیده است.

کشورهای دنیا می‌توانند با مدیریت صحیح این دوران و بهره‌گیری از فرصت‌های استثنائی به وجود آمده‌ی حاصل از آن، با افزایش میزان تولید نسبت به مصرف (به دلیل بیش‌تر بودن جمعیت تولیدکننده یا مولد نسبت به جمعیت صرفاً مصرف‌کننده) و در نتیجه افزایش پس‌اندازهای ملی در سطح کلان، بر بسیاری از مسائل دوران سالمندی خود فائق آیند. در عین حال باید توجه داشت که در صورت عدم مدیریت صحیح، این فرصت ممکن است به تهدیدی جدی تبدیل شود که در کشوری مانند ونزوئلا این پدیده به وضوح رخ داده است.

فاز پنجره جمعیتی در ایران در نمودار شماره ۵ نشان می‌دهد که این پنجره از حدود سال ۱۳۸۰ آغاز شده و تا سال ۱۴۳۰ ادامه خواهد داشت.



نمودار ۵- فاز پنجره جمعیتی در ایران

منبع: سازمان ملل متحد، گزارش چشم انداز جمعیت جهان، ۲۰۱۷

این فاز پنجره جمعیتی به قدری حائز اهمیت است که مقوله جدیدی تحت عنوان «سود جمعیتی»^۱ در دنیا و بخصوص از سوی صندوق جمعیت ملل متحد مطرح شده که اثر تغییرات ساختار سنی جمعیت هر کشور را در رشد اقتصادی (GDP) آن کشور ارزیابی می کند. این ارزیابی برای مناطق مختلف دنیا در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- سهم «سود جمعیتی» در رشد «سرانه GDP» مناطق مختلف جهان

How big are the dividends?				
The second has typically been even larger than the first.				
	Demographic Dividends: contribution to growth in GDP/N ¹			Actual growth in GDP/N ¹
	First	Secend	Total	
Industrial economies	0.34	0.69	1.03	2.25
East and Southeast Asia	0.59	1.31	1.90	4.32
South Asia	0.10	0.69	0.80	1.88
Latin America	0.62	1.08	1.70	0.94
Sub-Saharan Africa	-0.09	0.17	0.08	0.06
Middle East and North Africa	0.51	0.70	1.21	1.10
Transition economies ²	0.24	0.57	0.81	0.61
Pacific Islands	0.58	1.15	1.73	0.93

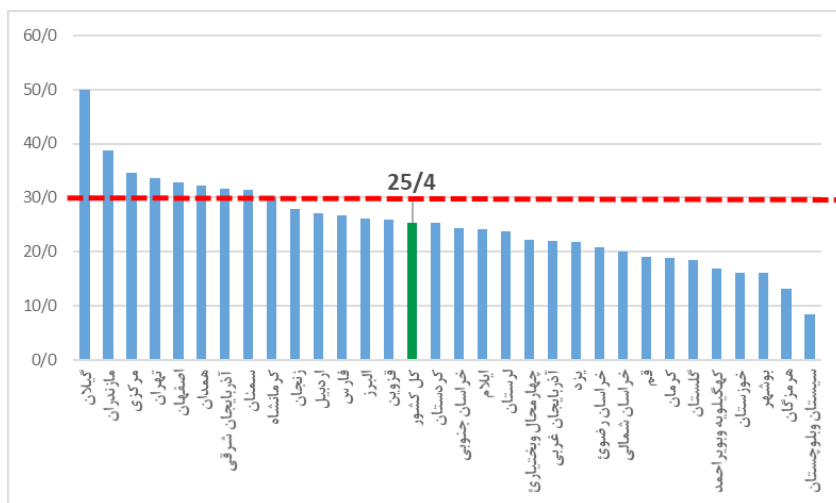
منبع: وب سایت بین المللی حساب های ملی انتقالات (<http://www.ntaccounts.org>, ۲۰۱۸)

۵- سالخوردگی جمعیت

چنانچه بخواهیم ارزیابی ای از میزان سالخوردگی جمعیت کشور داشته باشیم که مشخص کند ایران چه مرحله ای از تحولات جمعیتی خود را در مواجهه با سالخوردگی جمعیت تجربه می کند، از تقسیم بندی شرایاک و سیگل در این زمینه استفاده می کنیم. در این تقسیم بندی، نسبت افراد بالای ۶۵ سال به افراد کم تر از ۱۵ سال به عنوان «شاخص سالخوردگی جمعیت»

به کار می رود و در صورتی که رقم حاصله کم تر از ۱۵ باشد، جمعیت جوان، بین ۱۵ تا ۳۰ میانسال و بیش از ۳۰ سالمند ارزیابی می شود. با توجه به رقم ۲۵,۴ به دست آمده در سرشماری ۱۳۹۵ برای این شاخص، ایران در مرحله میانسالی قرار دارد.

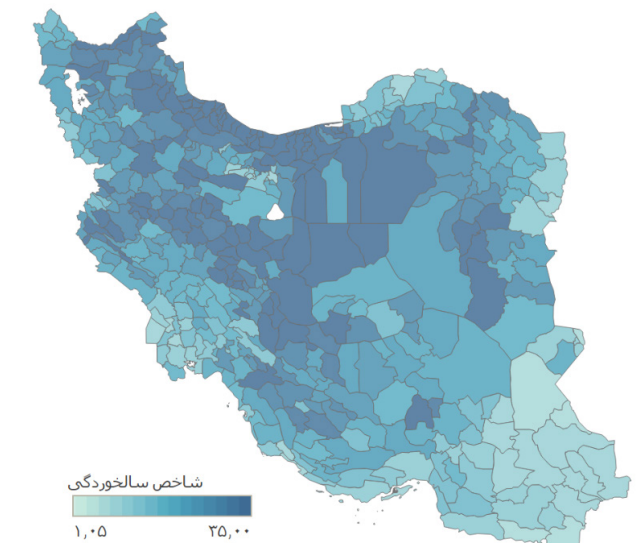
اما از آنجا که رقم این شاخص در استان های مختلف متفاوت است، چنانچه بخواهیم استان های کشور را از لحاظ شاخص سالخوردگی جمعیت مقایسه نماییم، این مقایسه در نمودار شماره ۶ انجام شده که استان هایی که از نظر این شاخص وارد مرحله سالمندی جمعیت شده اند، استان های گیلان، مازندران، مرکزی، تهران، اصفهان، همدان، آذربایجان شرقی و سمنان هستند و رابطه این وضعیت با پایین بودن باروری در این استان ها نیز مشهود است.



نمودار ۶- شاخص سالخوردگی جمعیت در استان های کشور - ۱۳۹۵

منبع: مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

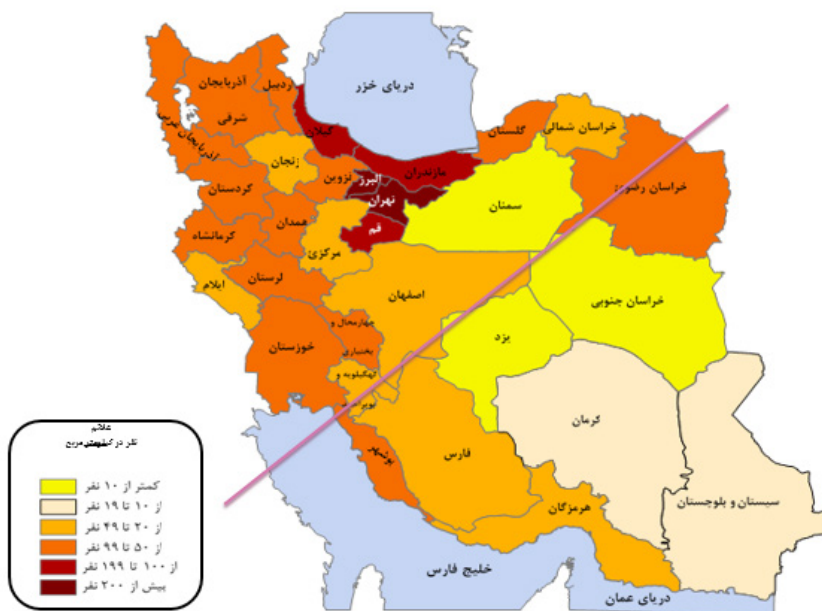
در نمودار شماره ۷ نیز این وضعیت روی نقشه کشور به تفکیک شهرستان ها نشان داده شده است.



نمودار ۷- شاخص سالخوردگی جمعیت در شهرستان های کشور - ۱۳۹۵
منبع: مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

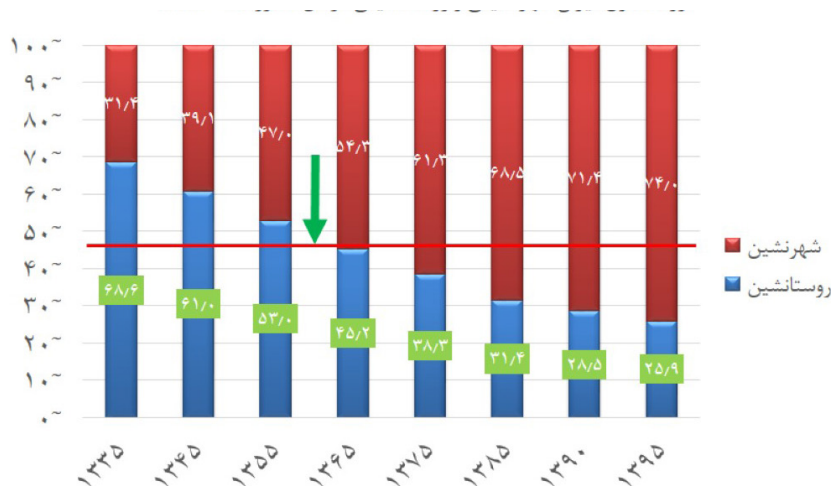
۶- توزیع جغرافیایی جمعیت، شهرنشینی و مهاجرت

همانطور که در نمودار شماره ۸ نشان داده شده، تراکم جمعیت کشور در استان های مختلف یکسان نیست و در استان های شمال، شمال غرب و غرب کشور نسبت به سایر نقاط کشور از تراکم بیشتری برخوردار است.



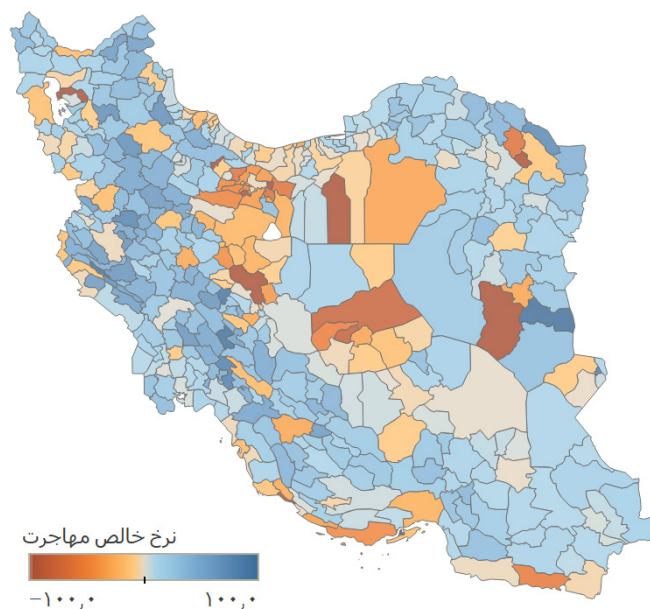
نمودار ۸- تراکم جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵

روند تغییرات توزیع جمعیت در نقاط شهری و روستایی در نمودار شماره ۹ نشان داده شده و بیانگر این است که بین سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ سهم جمعیت شهری و روستایی در کشور جابجا شده که این جابجایی متأثر از جابجایی جمعیتی بین نقاط شهری و روستایی و همچنین تغییرات تقسیمات کشوری (تبدیل روستاها به شهر یا جذب روستاها در شهرها) بوده و طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ حدود ۷۴ درصد جمعیت در نقاط شهری و ۲۶ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده اند. (جمعیت غیرساکن کشور در نقاط روستایی لحاظ شده است).



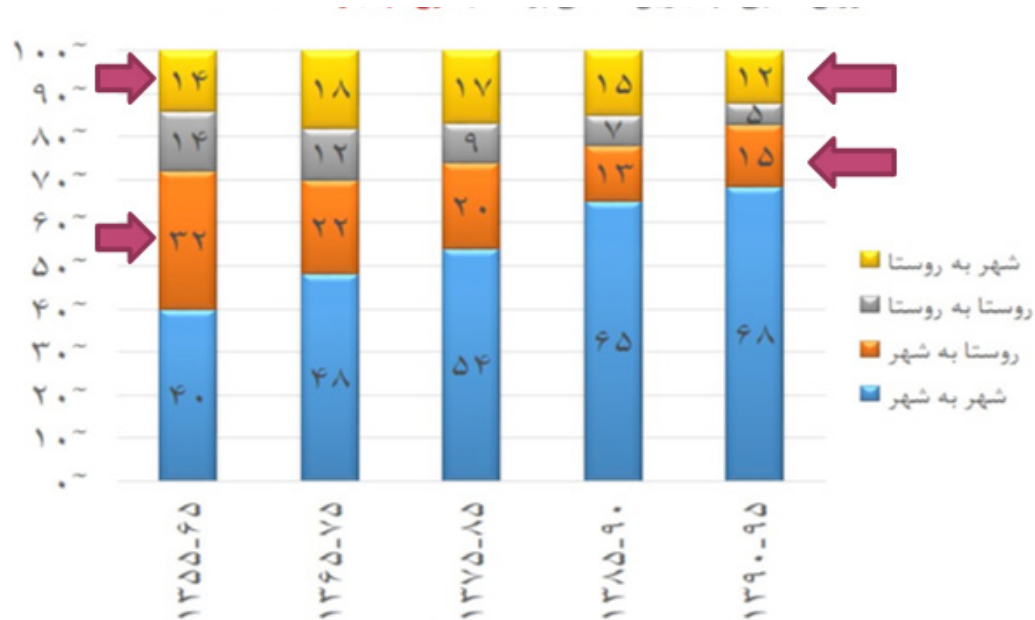
نمودار ۹- سهم جمعیت شهری و روستایی

جابجایی‌های جمعیتی بین دو سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ در سطح شهرستان‌های کشور در نمودار شماره ۱۰ نشان می‌دهد کدام شهرستان‌ها از سایر نقاط استان متبوع یا سایر نقاط داخل و خارج کشور مهاجرپذیر بوده‌اند (طیف رنگ‌های آبی) و کدام شهرستان‌ها به سایر نقاط استان متبوع یا سایر نقاط کشور مهاجر فرستاده‌اند (طیف رنگ قهوه‌ای).



نمودار ۱۰- نرخ خالص مهاجرت شهرستان ها طی سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

نوع مهاجرت های داخلی بین شهرها و روستاهای در جابجایی های جمعیتی صورت گرفته بین سرشماری های مختلف از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ در نمودار شماره ۱۱ نشان داده شده است. نکته حائز اهمیت این است که در مقایسه سهم ۳۲ درصدی مهاجرت روستا به شهر در مقابل سهم ۱۴ درصدی مهاجرت شهر به روستا در فاصله سال های ۶۵-۱۳۵۵، این میزان ها در فاصله سال های ۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب به ۱۵ و ۱۲ درصد تغییر یافته که از تعدیل نسبی مهاجرت دوسویه بین شهرها و روستاها حکایت دارد.



نمودار ۱۱- توزیع نسبی مهاجرین داخلی بر حسب نوع مهاجرت: ۱۳۵۵-۹۵

شرایط گوناگون اقتصادی، اجتماعی و همچنین تغییرات آب و هوایی در نقاط مختلف کشور و حتی کمبودهایی در منابع غذایی باعث گردیده که تعدادی از آبادی‌ها و روستاهای کشور خالی از سکنه شوند و ساکنان آن‌ها به نقاط دیگر مهاجرت کنند. نمودار شماره ۱۲ وضعیت پراکندگی این آبادی‌ها را به نسبت تعداد آبادی‌های هر استان نشان می‌دهد که مستلزم ریشه‌یابی دقیق و برنامه‌ریزی‌های آمایشی در این زمینه است.



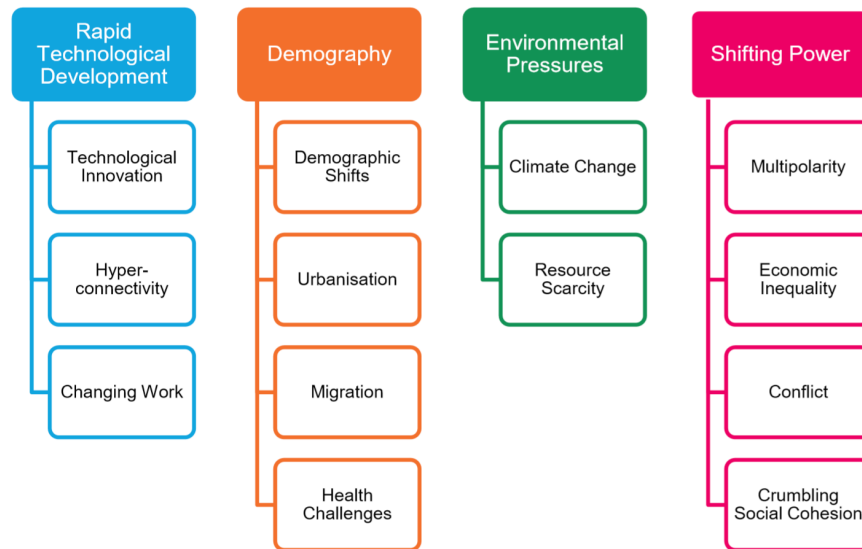
نمودار ۱۲- نسبت آبادی های خالی از سکنه هر استان به کل آبادی های آن استان - ۱۳۹۵

۷- ارتباط تحولات جمعیتی ایران با کلان روندهای جهانی

بخشی از تحولات جمعیتی کشور، در امتداد کلان روندهای^۱ غالب دنیا است که در نمودار ۱۳ در قالب ۴ دسته تحت عنوان «توسعه سریع فناوری»، «جمعیت شناسی»، «فشارهای زیست محیطی» و «انتقال قدرت» نشان داده شده است. در عین حال، بخش قابل توجهی

1- Megatrends

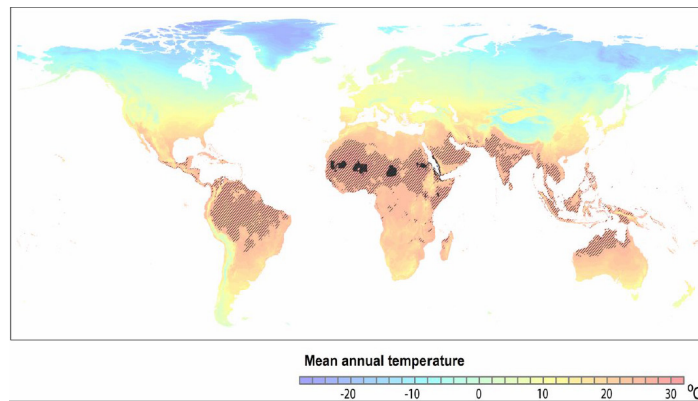
از تغییرات جمعیتی کشور نیز متأثر از شرایط خاص تحولات جمعیتی ایران است که در بخش‌های قبل به موارد مهمی از آن‌ها اشاره شد.



نمودار ۱۳- دسته‌بندی کلان‌روندهای تعیین‌کننده‌ی آینده جهان

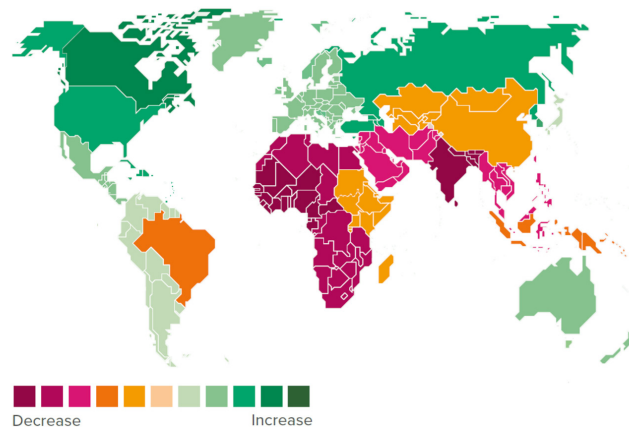
Source: www.oxfam.org

آنچنانکه در کلان‌روندهای جمعیتی فوق نیز به مهاجرت اشاره شده، در تبیین ارتباط بین تغییرات آب و هوایی، مهاجرت و نهایتاً کشاورزی و تولید مواد غذایی می‌توان به نمودارهای شماره ۱۴ تا ۱۶ زیر توجه نمود:



نمودار ۱۴- نمونه گزارش سازمان ملل درباره تغییرات آب و هوایی

Figure 25: Changes in agricultural production in 2050



Note: the map shows changes in agricultural production with climate change relative to baseline scenario.

Source: FAO (2018a; 2018b). Graphics: Woodhill et al. (2020, p. 19).

نمودار ۱۵- تغییر در تولیدات کشاورزی تا سال ۲۰۵۰

Source: www.oxfam.org



نمودار ۱۶- نمونه گزارش سازمان ملل درباره درصد مهاجرت ها به نسبت جمعیت

۸- جمع بندی

در این گزارش به آخرین وضعیت جمعیت کشور، جایگاه جهانی در شاخص های جمعیتی، روند تغییرات جمعیتی کشور تا به امروز و همچنین پیامدهای تحولات جمعیتی در ساختار سنی جمعیت و پیش بینی آینده جمعیت کشور در ارتباط با کلان روندهای دنیا پرداخته شد. بر این اساس، می توان چالش های اساسی امنیت غذایی از منظر تحولات جمعیتی را به شرح زیر برشمرد:

◀ استمرار روند کاهشی رشد جمعیت کشور و منفی شدن آن در دهه های پیش رو و کوچک تر شدن حجم جمعیت و در نتیجه، بر هم خوردن تعادل و توان درونی جمعیت کشور از منظر تولید از جمله تولید مواد غذایی

- ◀ استمرار روند کوچک شدن خانوارها و تأثیر آن بر الگوی مصرف مواد غذایی
 - ◀ افزایش میانگین سنی و سالخورده شدن ساختار سنی جمعیت کشور و تأثیر آن بر سلامت و بهداشت و همچنین الگوی مصرف مواد غذایی
 - ◀ رشد سه برابری جمعیت سالمندان (۶۰ ساله و بیش تر) نسبت به متوسط رشد جمعیت کشور (۳/۶۲ در مقابل ۱/۲۴)
 - ◀ افزایش سهم سالمندان (۶۰ ساله و بیش تر) از ۹/۳ درصد سرشماری ۱۳۹۵ به ۱۰/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ و ۲۶/۱ درصد در سال ۱۴۳۰
 - ◀ افزایش شاخص بار تکفل جمعیت مولد و عهده دار شدن مسئولیت اقتصادی و امنیت غذایی افراد مصرف کننده ی بیش تر
 - ◀ نامتوازن بودن تراکم و توزیع جغرافیایی جمعیت در مناطق مختلف کشور و تخریب و تغییر کاربری اراضی
 - ◀ تغییرات تراکم زیستی و سرانه اراضی قابل کشت در اثر کاهش اراضی کشاورزی
 - ◀ استمرار روند شهرنشینی در اثر مهاجرت روستا به شهر، تبدیل عناصر تقسیمات کشوری روستاها یا جذب آن ها در شهرها و تبدیل مراکز تولید به مراکز مصرف
 - ◀ افزایش شهرهای کوچک، جذب آبادی ها در شهرها و خالی شدن آبادی ها و به وجود آمدن محدودیت هایی در تولید
 - ◀ مهاجرت نخبگان به خارج از کشور و صدمه به بخش دانش بنیان مباحث امنیت غذایی
- در مواجهه با چالش های فوق، راهبردهای لازم برای رسیدن به وضع مطلوب می تواند به شرح زیر باشد:
- ◀ جلوگیری از استمرار کاهش رشد جمعیت با مدیریت صحیح تحولات جمعیتی در کشور

- ◀ بهره‌گیری از فرصت پنجره جمعیتی در جهت حفظ تعادل پویای جمعیت و جلوگیری از استمرار خروج ساختار جمعیت کشور از حالت تعادل
- ◀ بازمهندسی نظام سکونتگاهی جمعیت کشور به گونه‌ای که ضمن جلوگیری از کاهش شاخص‌های ظرفیت و توان تولید زیستی (BC) مناطق مختلف، سرانه شاخص ردپای بوم‌شناختی (EF) را متناسب با ظرفیت‌های زیستی هر منطقه مدیریت نموده و نهایتاً شاخص عملکرد محیط زیست (EPI) را نیز بهبود ببخشد
- ◀ باز توزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی (بند ۹ سیاست‌های کلی جمعیت)
- ◀ ایجاد و تقویت شهرهای میانی و جایگزین برای توزیع مناسب و برنامه‌ریزی شده‌ی جمعیت سرریز کلان‌شهرها و همچنین توجه خاص به روستاهای مرکزی و بزرگ به منظور تجمیع روستاهای کم جمعیت و بهینه‌سازی تخصیص امکانات
- ◀ حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم‌تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی بویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای کسب و کار با درآمد کافی (بند ۱۰ سیاست‌های کلی جمعیت)
- ◀ مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت با تدوین و اجرای ساز و کارهای مناسب (بند ۱۱ سیاست‌های کلی جمعیت)
- ◀ تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری، و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان (بند ۱۲ سیاست‌های کلی جمعیت)

- به منظور تحقق راهبردهای فوق، اقدامات و الزامات الویت دار به شرح زیر پیشنهاد می شود:
- ◀ ضرورت تعیین متولی برای رصد و مدیریت جمعیت در کشور
 - ◀ تدوین قوانین پشتیبان، برنامه های اجرایی و تقسیم کار ملی برای پیاده سازی سیاست های کلی جمعیت
 - ◀ تدوین بسته های آمایش جمعیتی و توزیع متوازن جمعیت متناسب با ظرفیت های منطقه ای در کشور

۹- منابع

- ۱- سیاست های کلی جمعیت، ابلاغی مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی) مورخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳
- ۲- کتابی، احمد، نظریات جمعیت شناسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۴
- ۳- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵
- ۴- مرکز آمار ایران، درگاه ملی آمار به آدرس www.amar.org.ir، پیش بینی های جمعیتی کشور تا سال ۱۴۳۰
- ۵- وب سایت بین المللی حساب های ملی انتقالات به آدرس <http://www.ntaccounts.org>
- 6- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division, «World Population Prospects: The 2017 Revision»



209092

